



Indicators of Justice-Centered Social Transformation from the Perspective of Imam Reza's Teachings

Mohammad Reza Mokhtari^{1✉}

1. Student of the Seminary, Higher School of Jurisprudence of Ālem Āl Muḥammad (pbuh), Astan Quds Razavi, Cultural Deputy of Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran. Email: mokhtarimohammadreza113@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 29
September 2024

Accepted: 25
January 2025

Keywords:

Justice, Social
Transformation,
Imam Reza (pbuh),
Islamic Civilization,
Leadership of
Transformation.



ABSTRACT

Undoubtedly, the mission of the prophets in establishing monotheism (Tawḥīd) revolves around building a monotheistic, justice-oriented civilization. A core element in creating an Islamic civilization and eradicating global oppression lies in initiating a series of transformations in social structures and relationships. Without such changes—whether at the structural or interpersonal level—progress toward a monotheistic, oppression-free society remains unattainable. In Islamic thought, social transformation is rooted in justice. Imam Reza (pbuh), as a religious reformer and infallible leader, navigated a unique position within the court of his contemporary rulers. By analyzing his teachings and narrations through library research and an analytical jurisprudential approach, this study identifies clear indicators of justice-centered transformation in his conduct. From Imam Reza's (AS) perspective, key indicators of justice include: Intellectual and Epistemic Foundations, Ethical Standards, and Behavioral Practices such as Embodying truthfulness, fulfilling social commitments. When these indicators permeate society, they catalyze an inner transformation in public consciousness, reshaping attitudes and behaviors. This shift lays the groundwork for systemic social change, ultimately advancing the realization of a monotheistic society free from oppression.

Cite this article: Mokhtari, M., R. (2024). Indicators of Justice-Centered Social Transformation from the Perspective of Imam Reza's Teachings. *Islamic Social Studies*, 30 (129) , 107-126. <https://doi.org/10.30513/iss.2025.6396.1369>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



شاخصه‌های عدالت‌محوری در تحول اجتماعی از منظر معارف رضوی

محمدرضا مختاری^۱

۱. طلبه حوزة علمیه، مدرسه عالی فقاہت عالم آل محمد (ص)، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mokhtarimohammadreza113@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۶ کلیدواژه‌ها: عدالت، تحول اجتماعی، امام رضا(ع)، تمدن اسلامی، رهبری تحول. 	بی‌شک حرکت انبیا در استقرار کلمه توحید، از مسیر بنای تمدنی توحیدی و عدالت‌محور می‌گذرد. یکی از مؤلفه‌های اصلی در ایجاد تمدن اسلامی و رفع ظلم از جهان، ایجاد سلسله‌ای از تحولات در ساختارها و روابط اجتماعی است؛ چراکه بدون تحول در وضع موجود؛ چه در سطح ساختارها و چه در سطح روابط اجتماعی، امکان حرکت به سوی جامعه توحیدی و بدون ظلم نخواهد بود. تحول اجتماعی در تفکر اسلامی بر پایه عدالت بوده، و از آنجایی که امام رضا(ع) به‌عنوان مصلحی دینی و پیشوایی معصوم در موقعیتی خاص در دربار حکومت وقت آمد و شد دارد با بررسی کلمات و معارفی که از ایشان رسیده با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد فقهی تحلیلی به وضوح می‌توان رد پای تحولی عدالت‌محور را در سیره ایشان یافت و شاخصه‌های آن را استنباط نمود. در نگاه امام رضا(ع) برخی از شاخصه‌های عدالت عبارتند از: شاخصه‌های علمی و معرفتی، شاخصه‌های اخلاقی، و نیز شاخصه‌های رفتاری عدالت مثل صدق و عمل به وعده‌های اجتماعی. در صورت تحقق این شاخصه‌ها در فضای اجتماعی، تحولی باطنی در نگرش مردم و به تبع آن تغییری اساسی در رفتار و کنش‌های مردم رخ داده که مقدمه‌ای برای تغییر اجتماعی خواهد بود، تحولی اجتماعی که سبب تحقق جامعه توحیدی و بدون ظلم می‌گردد.

استناد: مختاری، محمدرضا. (۱۴۰۳). شاخصه‌های عدالت‌محوری در تحول اجتماعی از منظر معارف رضوی.

پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۰ (۱۲۹)، ۱۰۷-۱۲۶.

<https://doi.org/10.30513/iss.2025.6396.1369>

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



© نویسندگان.

مقدمه

حرکت انسان به سوی هدف خلقت خود با هدایت و دستگیری انبیای الهی و از طریق حضور اجتماعی مؤثر ایشان شکل می‌گیرد. ازجمله مباحث مهم در هدایت انسان وجود یک برنامه الهی است که کتب آسمانی عهده‌دار آن هستند و شریعت مقدس حرکتی تکاملی برای انسان تصویر می‌کند که محور اصلی آن عدالت است.^۱ محوریت عدالت در تحولات اجتماعی، مکتبی با شکوه را محقق ساخته است و همراهی با این حرکت تحولی جز با شناخت شاخصه‌های محور اصلی آن میسر نیست.

از ویژگی‌های منحصر به فرد مکتب شیعه بهره‌مندی از امامان معصوم و مفسرانی است که خزان علم الهی بوده و پیامبرانه دستگیر طالبان هدایت الهی می‌باشند. بررسی زندگی و سیره این انوار هدایت راه سخت پیش رو را بسی راحت و طی آن را میسر می‌کند. در این میان زندگی پر فراز و نشیب امام رضا(ع) و گنجینه کلمات ایشان بخاطر ویژگی‌هایی منحصر به فرد ازجمله حضور رسمی در دستگاه حکومتی و بهره‌مندی از جایگاه رسمی اجتماعی بالا در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است.

تاکنون آثار متعددی در حوزه عدالت اجتماعی و تحولات جامعه ارائه شده است؛ ازجمله مقاله «عدالت اجتماعی» از آقای محمود اصغری (اندیشه حوزه، ۱۳۸۴، شماره ۵۵). کتاب «عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران امروز» از آقای فرشاد مؤمنی ارائه شده است. همچنین در زمینه سیره و زندگی هدایتگر امام رضا(ع) با محوریت عدالت اجتماعی آثار ارزشمندی مانند مقاله سید علیرضا واسعی و طاهره‌سادات صالح شریعتی با عنوان «عدالت اجتماعی به مثابه پیشران علمی در عهد رضوی» (سیره پژوهی اهل بیت، ۱۴۰۱، ش ۱۵) و کتاب «عدالت امام از دیدگاه امام رضا(ع) با تأکید بر عدالت اجتماعی» از آقای حسن صادقی، و نیز «مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عدالت و اخلاق در مکتب اهل بیت(ع) با تأکید بر سیره امام رضا(ع)»، با همت آقای عباس جوارشکیان عرضه شده است. به نظر می‌رسد با توجه به رشد سریع تحولات اجتماعی و توجه عمومی به مسئله عدالت در دنیای امروز، دریافت شاخصه‌هایی هدایتگر از سیره

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید/۲۵)

اهل بیت (ع) در این زمینه بیش از هر زمان دیگر ضروری به نظر می‌رسد. در مقاله حاضر با روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تحلیلی و با رویکرد فقهی اجتهادی مؤلفه‌های عدالت‌محوری در تحول اجتماعی و شاخصه‌های آن در کلمات امام رضا (ع) بررسی می‌گردد.

۱. تحول

مفهوم تحول اجتماعی یا دگرگونی اجتماعی محل اختلاف نظر متفکران و اندیشمندان اجتماعی است که منشأ این اختلاف عوامل نظری، ایدئولوژیک، و سطح تحلیل دانشمندان است (کوئن، ۱۳۷۴، ص ۳۱۵). همچنین جامعه‌شناسان در باب دگرگون اجتماعی نظریات مختلفی از جمله نظریه‌های تکاملی، چرخه‌ای، توازی و تعارضی ارائه کرده‌اند.^۱ روشن است که در مکتب اسلام و بنابر حکمت اسلامی در حکمت متعالیه وجود یک حرکت تکاملی در انسان و جامعه انسانی ممکن بلکه ضروری است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۹۲).

۱-۲. تحول اجتماعی و انواع آن

اگرچه انسان تنها موجودی نیست که زندگی اجتماعی دارد ولی از تفاوت‌های مهم زندگی اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی دیگر موجوداتی که زندگی اجتماعی دارند وجود تحول و تطور در زندگی اجتماعی انسان است. این تحول ممکن است در ابعاد مختلف مثل لوازم معیشت (صید و کشاورزی و صنعتی)، نظام اقتصادی (نظام اشتراکی، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری، سوسیالیسم)، نظام سیاسی (دوره ملوک الطوائفی،

۱. در اینجا اشاره‌ای مختصر به مفهوم این نظریات می‌شود:

نظریه‌های تکاملی: معتقدند جوامع بشری از صورت‌های ساده به صورت‌های پیچیده‌تر تکامل می‌یابند.
نظریه‌های چرخه‌ای: معتقد هر جامعه‌ای مراحل گوناگونی را پشت سر می‌گذارد که در یک چرخه دور زنده نمایان می‌شوند نه حرکت تکاملی.

نظریه‌های توازی: معتقدند جوامع از بخش‌های به هم وابسته‌ای تشکیل شده است که هر یک از آن‌ها در کارایی جامعه نقش دارد. با دگرگونی در یکی از این بخش‌ها جامعه و بخش‌های دیگر دستخوش عدم تعادل می‌گردد.

بعد از دگرگونی همه بخش‌ها، جامعه دوباره به حالت توازن برمی‌گردد.
نظریه تعارضی: معتقدند جامعه متشکل از گروه‌های گوناگون است که تعارضی مستمر دارند و که موجب دگرگونی مستمر جامعه می‌گردد. (از نظر مارکس تضاد حاکم بر جامعه موتور محرک تغییرات و تحولات جامعه است).

(پروس کوئن، ۱۳۷۴، ۳۳۰)

استبدادی، اریستوکراسی، دموکراسی)، از نظر جنسی (دوره زن‌سالاری، مردسالاری) و مانند آن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵). تحول ممکن است به دلیل بروز عواملی گاهی کند و گاهی سریع صورت گیرد.

همچنین تحول در دو سطح درونی و بیرونی رخ می‌دهد. انبیای الهی نیز برای ایجاد تحولی بنیادین در جهت ایجاد جهانی توحیدی از تحول درونی انسان شروع کرده‌اند. روشن است که در مکاتب مادی تحول را با نگاه مادی سنجیده و برای تحقق آن به دنبال ایجاد دگرگونی در جلوه‌های مادی زندگی هستند درحالی‌که در مکاتبی که به بعد روحانی و معنوی انسان توجه دارند و برای ماوراء طبیعت نیز اصالت قائل هستند در تحقق دگرگونی اجتماعی به بعد غیر مادی انسان نیز توجه داشته و ریشه‌های تحول را در جایی دیگر جستجو می‌کنند. این تفاوت نگاه ثمرات فراوانی در جریان تحول در جامعه ایجاد می‌کند ازجمله در ارائه مکانیسم تحول و دفع آفات و آسیب‌های تحول و برنامه‌ریزی اجتماعی چنان‌که خواهد آمد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵-۳۵).

در کلام اهل بیت(ع) و بخصوص امام رضا(ع) آثار فراوانی در پیگیری تحول جامعه اسلامی در ابعاد مختلف برای ایجاد عوامل تحول و رفع موانع و آسیب‌های تحول تکاملی و صحیح جامعه اسلامی دیده می‌شود که در آینده به بخشی از آن اشاره می‌شود.

۳-۱. منشأ و عوامل تحول

در منشأ تحول در جامعه آراء مختلفی وجود دارد. منشأ تحول به تناسب جامعه و روحیات و افکار و اندیشه‌های رایج اعضای جامعه و همچنین متناسب قوت و ضعف ایشان ممکن است متفاوت باشد. انقلاب سیاسی، تحول روحی و فکری، نخبگان و قهرمانان، نژاد، جغرافیا (نوسان‌های شدید حرارت، طوفان‌ها یا زلزله‌های شدید و فقدان یا فراوانی منابع طبیعی)، سن جمعیت، تحول روابط اجتماعی، تحول خانواده، تکنولوژی (تلویزیون، فضای مجازی، هوش مصنوعی، زندگی دیجیتال، ماشین و صنعت و ...)، مردم و جمعیت (کاهش و افزایش جمعیت) و موارد دیگری از این قبیل می‌تواند منشأی برای دگرگونی اجتماعی باشد.

در بیان عوامل تحول _ چنان‌که گذشت _ میان مکاتب مختلف فکری تفاوت نظر

است. در نگاه متفکران اسلامی فطرت انسانی بواسطه دارا بودن چند خصیصه قادر است موجب تحول و دگرگونی اجتماعی گردد:

۴-۱. حفظ تجارب و جمع آن

۱. استعداد یادگیری از راه بیان و قلم.

۲. مجهز بودن به نیروی عقل و ابتکار.

۳. میل ذاتی و فطری به نوآوری (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲)

از سوی دیگر، هر مکتبی متناسب مکانیسمی که برای حرکت تاریخ معتقد است برنامه تحول و تطور پیروان خود را تنظیم می‌کند. مکتبی که مکانیسم حرکت را فشار طبقه‌ای بر طبقه دیگر می‌داند برای اینکه جامعه را به جنبش و حرکت آورد احیاناً اگر به قدر کافی تضییق و فشار وجد نداشته باشد آن را می‌افزاید. مارکس در برخی از آثار خود یادآور شده است: «برای اینکه طبقه‌ای از آزادگان وجود داشته باشد وجود طبقه‌ای از بردگان ضروری است. همچنین می‌گوید: پس امکان آزادی ملت آلمان در کجاست؟ پاسخ ما چنین است: بایستی طبقه‌ای که به‌طور قاطعی در زنجیر باشد تشکیل داد.» (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹). در این نگاه اصلاحات سبب کاهش فشار و مانع ترقی و تحول خواهد بود. ولی مکتبی که به حرکت ذاتی و فطری جامعه قائل است فشار را لازمه تکامل نمی‌داند همچنان که اصلاحات را مانع تطور نمی‌بیند. در اسلام شرایط و موانع غالباً یا همیشه حول فطرت دور می‌زند: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۲) ﴿لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا﴾ (یس/۷۰). در نظر قرآن دغدغه‌مندی و احساس مسئولیت در برابر نظام هستی، پاکی اولی، زنده ماندن فطرت، حیات فطری داشتن از عوامل تحول، و فساد روحی، اثم، مختم شدن قلب‌ها، اسراف و ترف و ... از موانع تحول است. از این روست که در نگاه اسلام جوانان بخاطر آلودگی کمتر، برای تحول آماده‌ترند (همان).

۵-۱. تحول در جامعه انسانی هدف نبوت و امامت

بی‌شک جوامع انسانی در مسیر خود بسوی به توحید و دین حنیف نیازمند برنامه‌ای جامع و البته ابزاری مؤثر در ترویج تفکر توحیدی بوده‌اند و این امر فلسفه بعثت انبیا و وصایت اولیای الهی را ترسیم می‌کند. از سوی دیگر تبلیغ چهره به چهره همه افراد جامعه انسانی و

ایجاد فهم الهی در تک‌تک افراد بصورت انفرادی کاری دشوار بلکه غیرممکن بود. در این راستا انبیای الهی و جانشینان ایشان همراه به دنبال ایجاد حکومت دینی بوده تا در سایه آن تمدنی توحیدی شکل گرفته و فرایند هدایت تکوینی و تشریعی با سرعت و کیفیت بالاتری تحقق یابد. ایجاد تمدن توحیدی علاوه بر رهبری الهی نیازمند مردمی توحید محور بوده و این مهم مستلزم تحولی اجتماعی می‌باشد.^۱

فرایند بعثت نبی در جامعه‌ای که زمینه ایجاد تحول را دارد متوقف بر دو تحول، یکی در شخص نبی و دیگری در جامعه می‌باشد. بنابراین ابتدا باید شخص امام جامعه متحول شده و سپس این تحول درونی به جهان اجتماعی او فیضان کرده و سبب ایجاد تمدنی جدید گردد (خامنه‌ای، ۱۳۵۳، ص ۲۵۹-۲۹۴). از این رو در بعثت انبیا دو تحول در سطح امام جامعه و اعضای جامعه توحیدی رخ می‌دهد و زمینه‌ساز تشکیل تمدنی توحیدی می‌گردد.

۲. عدالت

عدالت از ریشه عدل است و عدل از جمله کلماتی است که بر دو معنای متضاد تساوی و عدم آن دلالت می‌کنند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۴۶). برخی دانشمندان معاصر عدل را به معنای «وضع کلی شیء فی موضعه» بیان کرده‌اند و ظلم خلاف آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). همچنین عدل را به معنای ارزش و معادل چیزی و نیز به معنای ضد جور و ستم دانسته‌اند (ابن فارس، ج ۴، ص ۲۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۳۰). برخی دیگر عدل را معادل حق دانسته‌اند که در آن زیاده و نقصانی نیست (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۵۹).

لازم به ذکر است که «قسط» و «میزان» را نیز به معنای عدل و عدالت دانسته‌اند. ترازو نیز از آن جهت که ابزاری برای سنجش در معاملات و جلوگیری از پایمال شدن حقوق دیگران است اشاره به لزوم برقراری عدالت دارد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۳۱).

عدالت در لسان حکما و در علم اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که انسان را بر تعدیل صفات و افعال خویش و رفع نزاع بین قوای انسانی و ایجاد طمئینه و تعامل مناسب بین

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ». (انفال/۲۴)

آن‌ها قادر می‌سازد. در اصطلاح جامعه‌شناسی نیز عدالت به معنای عدم ظلم به دیگران و دفع ظلم برخی به برخی دیگر می‌باشد. علامه طباطبایی معتقدند عدالت به معنای اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه افراط و تفریط است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۰۵). این همان معنای فقهی عدالت است که غیر از معنای عدالت در علم اخلاق است چه اینکه در عدالت در فقه هیئتی نفسانی است که انسان را از ارتکاب ناهنجاری‌های عرف متشرعه باز می‌دارد درحالی که عدلت در اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که ناظر به مراقبت نسبت به رذایل و فضایل واقعی (و نه عرفی) شکل می‌گیرد (همان، ص ۲۰۶).

عدالت بر دو قسم است: فردی و اجتماعی. عدالت فردی آن است که انسان چه در جایگاه امام جامعه و چه در جایگاه مأموم، در امور فردی خویش هر چیزی را در جای خود قرار دهد و به تعبیر دیگر آنچه سبب سعادت وی می‌گردد انجام دهد و برعکس آنچه برخلاف سعادت دنیوی و اخروی اوست ترک کند.

عدالت اجتماعی نیز آن است که انسان به‌طور کلی و حاکم جامعه به‌طور خاص حقوق افراد دیگر را رعایت کرده و با هرکس مناسب با خود او رفتار نماید. به تعبیر دیگر عدالت اجتماعی این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف شایسته آن است قرار دهد و نیکوکار را به خاطر احسانش پاداش دهد و بدکار را به خاطر بدی‌اش عقاب نماید و حق مظلوم را از ظالم بستاند و در اجرای قانون تبعیض قائل نشود. قرآن کریم به عدالت اجتماعی اهتمام داشته و در آیات متعددی از این عدالت سخن گفته است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۱.

آنچه در این نوشتار مورد نظر است شامل همه معانی فوق از عدالت می‌شود.

۲-۱. عدالت‌محوری در تحول اجتماعی

بنابر آنچه گذشت روشن شد که در تفکر اسلامی یکی از محورهای حیاتی و اساسی در تحول جوامع، عدالت است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۴۳). عدالت به‌عنوان اصلی اساسی و برخاسته از فطرت انسانی، حضوری پر رنگ در همه کنش‌های اجتماعی در تفکر شیعی و اسلامی داشته و تحول اجتماعی از این امر مستثنی نیست، چه اینکه بدون عدالت

۱. علامه طباطبایی معتقد است امر به عدل در این آیه امر به عدالت اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۳۱).

هیچ‌گونه رشد و تحول تکاملی در جامعه محقق نخواهد شد همچنان‌که عدالت ضامن بقای دین به‌عنوان برنامه سعادتمندی انسان است (همان، ۴۶).

از مسلمات نصوص اسلامی نیز همین است که تحول توحیدی جامعه اسلامی بر مدار قسط و عدل تحقق یافته و قرآن کریم یکی از مهم‌ترین و اولین هدف بعثت انبیا را اقامه عدل معرفی می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ﴾ (شوری/۱۵)، ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف/۲۹) بگونه‌ای که بدون رکن عدالت، حرکت تحولی میسر نیست و صلاحیت رهبری تحول اجتماعی در گرو عدالت با همه گستردگی‌اش است؛ اعم از عدالت اخلاقی و رفتاری و اندیشه‌ای: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۱۲۴). بنابراین، تحول در دو سطح امام و جامعه بر مبنای عدالت مطلوب است و انبیای الهی و اوصیای ایشان به‌عنوان رهبران تحول اجتماعی - چنان‌که خواهد آمد - به این دو توجه داشته‌اند.

در معارف رضوی نیز به عدالت‌محوری در هر دو سطح تحول توجه ویژه شده است و شاخصه‌های مهمی ارائه گردیده است. سخنان امام رضا(ع) به‌عنوان رهبر تحول جامعه و در شرایط خاص اجتماعی که برای ایشان ایجاد شده بود سزاوار امعان نظر بوده و شاخصه‌های عدالت‌محوری در شرایط ارتباط نزدیک امام با مرکز حکومت برای تحقق تحول باطنی، شایسته تحلیل و بررسی جدی‌تر می‌باشد. در اینجا به کلمات امام رضا(ع) در مورد شاخصه‌های عدالت‌محوری در دو سطح امام و جامعه می‌پردازیم.

۲-۱-۱. سطح اول جامعه: عدالت، شرط رهبر تحول

امام رضا(ع) به‌عنوان رهبر تحول جامعه شیعی، بلکه جامعه انسانی زمان خویش، در مورد شاخصه‌های عدالت در رهبر تحول اجتماعی به سه عرصه معرفتی، اخلاقی و رفتاری توجه دارند.^۱

۱. روشن است که شاخصه‌های معرفتی پایه‌ای برای شاخصه‌های اخلاقی هستند. به بیان دیگر، برای اینکه بتوانیم در مورد یک موضوع اخلاقی قضاوت کنیم، ابتدا باید در مورد آن موضوع اطلاعات کافی داشته باشیم. همچنین شاخصه‌های اخلاقی انگیزه‌ای برای شاخصه‌های رفتاری هستند. یعنی زمانی که به چیزی اعتقاد داریم، احتمال اینکه بر اساس آن اعتقاد عمل کنیم بیشتر است. شاخصه‌های رفتاری نیز تجلی شاخصه‌های معرفتی و اخلاقی در دنیای واقعی هستند و زمانی که بر اساس دانش و اعتقادات خود عمل می‌کنیم، عدالت را در جامعه به وجود می‌آوریم. در اینجا نمونه‌هایی از این شاخصه‌ها ارائه می‌گردد.

۲-۱-۱-۱. شاخصه‌های علمی - معرفتی عدالت‌محوری

شاخصه‌های علمی - معرفتی عدالت‌محوری بیانگر نگرش ویژه به عدالت و شناخت آن به‌عنوان محور ایجاد تحول اجتماعی است. امام رضا(ع) در احادیث متعددی به تبیین مفهوم عدالت و اهمیت آن در جامعه پرداخته‌اند. ایشان عدالت را از مهم‌ترین پایه‌های حکومت اسلامی می‌دانستند و بارها بر لزوم اجرای عدالت در همه سطوح جامعه تأکید می‌کردند. تحلیل انتقادی ساختارها و روابط اجتماعی، توانمندسازی افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر، تبیین ضرورت عدالت در امامت به شناخت و درک صحیح از مقام امامت و لزوم عدالت در امام اشاره دارد از مهم‌ترین شاخصه‌های معرفتی عدالت‌محوری در کلام امام رضا(ع) در فرایند تحول می‌باشد.

۲-۱-۱-۱-۱. تحلیل انتقادی ساختارها و روابط اجتماعی

به زور مسلمان کردن کفار: امام رضا(ع) از قول پدرانشان از قول امیرالمؤمنین(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کنند در زمانی که از ایشان خواسته شد برای افزایش تعداد مسلمانان و قوت گرفتن در برابر دشمنان برخی از مردم را با اکراه و زور به اسلام دعوت کنند، پیامبر اکرم فرمودند: «دوست ندارم خدا را در حالی ملاقات کنم که بدعتی انجام داده‌ام که به من نفرموده است و من از متکلفین نیستم. خداوند فرموده است: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا﴾ (یونس/۹۹)؛ «اگر پروردگار تو می‌خواست، همه کسانی که در زمین هستند ایمان می‌آوردند»، و این از طریق اجبار و اضطراب بود چنان‌که در لحظه احتضار و دیدن صحنه‌های عالم دیگر هر کسی معتقد به حق می‌شود ولی دیگر مستحق ثواب نخواهد بود. ولی من می‌خواهم با اختیار خود ایمان بیاورند تا مستحق پاداش و کرامت و بهشت ابدی گردند.» (حسین بن علی(ع)، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۲؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۴۱).

روشن است که امام رضا(ع) به تبع پدران گرامی‌شان و جدشان پیامبر اکرم معتقدند در پذیرش دین هیچ‌گونه اکراه و الزامی سزاوار نیست و افراد باید به اختیار خود به اندیشه حق معتقد گردند. این تفکر اسلامی جلوه‌ای پررنگ در آیات قرآنی دارد به گونه‌ای که خلاف آن در کلام نبی مکرم اسلام بدعت خوانده شده و نتیجه آن نیز ایمانی بی‌ارزش و

خالی از هرگونه کرامت و استحقاق ثواب می‌باشد. بیان فوق روشن می‌سازد که ایمانی که از روی اکراه باشد هرگز منجر به تحول باطنی افراد و در نتیجه تحول اجتماعی نمی‌گردد، بلکه آنچه تحول اجتماعی را به دنبال دارد ایمان اختیاری و به دور از هرگونه زور و ظلم می‌باشد.

۲-۱-۱-۱-۲. ارائه تعریف عدالت‌محور از امام جامعه

صفت امام آشنایی با زبان‌ها و پاسخ هر کس به زبان خودش، با کتاب خودش:
امام رضا(ع) در مقام پاسخ به سؤال رأس جالوت از ویژگی‌های امام جامعه می‌فرمایند: «به تورات و انجیل و زبور و قرآن آگاه باشد و برای اهل تورات با تورات خوشان و برای اهل انجیل با انجیل خودشان و برای اهل قرآن با قرآن خودشان حجت آورد و دانا به همه زبان‌ها باشد و حتی یک زبان بر او پنهان نباشد و هر قومی با زبان خودشان برهان آورد.» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۰).

در این کلام نورانی امام رضا(ع) که در حضور علما و دانشمندان از مکاتب و ادیان مختلف مثل رأس الجالوت؛ عالم یهودی، لقاء می‌شود ذکر عدالت و انصاف بعد از بیان ویژگی‌هایی همچون باتقوا بودن، و پاک بودن از هر عیب و نقص ظهور در عدالت اجتماعی دارد. همچنان‌که قبلاً ذکر شد توجه به این نکته لازم است که «امام» در تفکر شیعی محور جامعه و همه کنش‌ها و کنشگران آن می‌باشد و هرگونه رهبری تحولات اجتماعی با اراده و نظارت و تدبیر او صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، ویژگی‌هایی که در کلام اهل بیت برای «امام» بیان می‌شود در حقیقت ویژگی‌های محور اصلی تحول جامعه است. بنابراین، در این کلام امام رضا(ع)، امام با هر قومی و ملتی با زبان و کتاب خودشان سخن می‌گوید و این تساوی بین همه ملل و نحل در پیشگاه امام برای دریافت کلام حق جلوه‌ای با شکوه از عدالت معرفتی و اعتقادی در سیره امام رضا(ع) می‌باشد.

۲-۱-۱-۳. انصاف و عدالت از صفات امام

از شاخصه‌های اخلاقی عدالت‌محوری در سیره امام رضا(ع) می‌توان به لزوم التزام به عدالت در کلمات ایشان استناد کرد. در نگاه امام رضا(ع) همبستگی و همدلی امام با همه اقشار جامعه اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شریک غم و شادی عموم مردم بودن از

شاخصه‌های اخلاقی این رهبر تحول است. انصاف و برابری، تقوا، پاکدامنی، حکمت و مهربانی، گذشت و راستگویی، نیکوکاری و خیرخواهی، امانتداری و درستکاری نیز از ویژگی‌های امام است که امام رضا(ع) در مناظره خود با رأس الجالوت بیان می‌فرمایند (همان).

۲-۱-۱-۱-۴. مهدویت برای عدالت

از مهم‌ترین شواهد عدالت‌محوری تحول اجتماعی که در لسان معصومین از جمله امام رضا(ع) تکرار شده است هدف عدالت‌گستری مهدی موعود(ع) است: «فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۲).

۲-۱-۱-۲. شاخصه‌های اخلاقی عدالت‌محوری

شاخصه‌های اخلاقی به ارزش‌ها و باورهای ما در مورد یک موضوع خاص اشاره دارند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که چه چیزی را در مورد یک موضوع درست و چه چیزی را نادرست می‌دانیم. در حقیقت شاخصه‌های اخلاقی به قلب ما مربوط می‌شوند. مثل باور به اهمیت عدالت، اعتقاد به اینکه همهٔ افراد سزاوار عدالت هستند، التزام به عمل عادلانه و امثال آن.

۲-۱-۱-۲-۱. التزام به عدالت در رسیدن به قدرت نسبت به همه مردم

امام رضا(ع) در عهدنامه مأمون به ایشان نوشتند: «... با خدای خود عهد بسته‌ام که اگر رهبری مسلمانان را به دستم دهد نسبت به همهٔ مسلمانان به‌ویژه با بنی‌عباس بر اساس اطاعت خدا و رسولش(ص) رفتار کنم و هرگز خونی را نریزم و مال و ناموس مردم را حفظ کنم، مگر کسی را که حدود خداوند خون وی را بریزد و واجبات خداوند خون او را مباح شمارد و به اندازه کفایت و توانایی خود کوشش خواهم کرد، و با نفس خود پیمان محکمی بستم که خداوند از من نسبت به آن سؤال خواهد کرد، خداوند - عزوجل - می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء/۳۴)؛ (به پیمان‌ها وفا کنید که خداوند از پیمان‌ها بازخواست می‌کند)» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۱۲۸-۱۲۹).

۲-۱-۱-۲. التزام به عدالت در رسیدن به قدرت نسبت به نزدیکان

محمد بن ابی‌عباد^۱ نقل می‌کند: «بعد از کشته شدن فضل بن سهل، مأمون در حالی که گریه می‌کرد، حضور امام رضا(ع) رسید و به ایشان گفت: «این زمان، هنگام نیاز من به توست ای ابالحسن؟ در امور نظارت کنی و مرا یاری رسانی.» امام رضا(ع) فرمود: «تدبیر بر عهده توست ای امیرالمؤمنین! و بر عهده ما دعاست.» هنگامی که مأمون خارج شد، به امام رضا(ع) عرض کرد: «خدا شما را عزیز کند، چرا آنچه را که امیرالمؤمنین به شما گفتند، تأخیر انداختید و رد نمودید؟!» ایشان فرمود: «وای بر تو ای ابا حسن! در اندیشه این امر (خلافت) نیستم.» سپس وقتی مرا دید که غمگین شدم، به من فرمود: «از این کار چه می‌جویی؟ اگر این کار (خلافت) به آنجا که می‌گویی باز گردد (و در دست من قرار گیرد) و آن هنگام تو همین‌گونه باشی که اکنون با من هستی، تو تنها به اندازه خود بهره‌ای خواهی داشت و یکی همچون دیگر مردم خواهی بود.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۴).

امام(ع) با این سخن، به ابن ابی‌عباد توجه دادند که در صورت دست یافتن به حکومت، میان نزدیکان خود با دیگر مردم تفاوتی قائل نخواهد شد و ملتزم به عدالتی هستند که لازمه رهبر تحول اجتماعی است.

۲-۱-۱-۳. شاخصه رفتاری عدالت‌محوری

شاخصه‌های رفتاری به اعمال و رفتار ما در مورد یک موضوع خاص اشاره دارند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که چگونه در مورد یک موضوع عمل می‌کنیم. در واقع، شاخصه‌های رفتاری به حوزه رفتار و عملکرد مربوط‌اند. رفتار عادلانه با دیگران، دفاع از حقوق دیگران، کمک به ستم‌دیدگان، از جمله شاخصه‌های عدالت‌محوری است.

۲-۱-۱-۳-۱. شرط امام، عدالتی در حد عصمت

در کلمات امام رضا(ع) عدالتی در حد عصمت شرط امامت است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۶ و ۱۹۹؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۸). مشارکت در

۱. اگرچه محمد بن ابی‌عباد در کتب رجالی تضعیف شده است، ولی چون در این روایت اقرار بر علیه خود می‌کند در معرض اتهام نیست (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۲۷۸).

فعالیت‌های عدالت‌خواهانه و ترغیب مردم به پیروی از امام عادل به دفاع از خود از جمله شاخصه‌های رفتاری عدالت‌محوری در کلام امام رضا(ع) است.

۲-۱-۱-۲. اقتدا به امام عادل، شرط جواز اعتکاف

امام رضا(ع) از جمله شروط مسجد برای صحت اعتکاف در آن، حضور امام عادل می‌داند: «لَا يَجُوزُ الْإِعْتِكَافُ فِي غَيْرِ هَؤُلَاءِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ وَالْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَغْتَكِفُ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ جَمَعَ فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ وَ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَبِيحَةً وَ الْمَدِينَةَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَسَاجِدِ» (منسوب به علی بن موسی، امام هشتم(ع)، ۱۴۰۶ق، ص ۲۱۳).

۲-۱-۱-۳. وجوب جهاد و حرمت ترک آن دائر مدار امام عادل

در سیره پیشوایان دین اسلام، جنگ یکی از مهم‌ترین راه‌های رفع موانع تحول می‌باشد. بر اساس روایت محمد بن سنان، امام رضا(ع) از جمله علل حرمت فرار از جنگ را ظهور عدالت و رفع ظلم می‌دانند: «خدا فرار از جنگ در راه او را حرام شمرده است؛ زیرا در آن سستی در دین و سبک شمردن دستور پیامبران و امامان عادل است و نیز فرار از جنگ سبب ترک یاری آن‌ها بر دشمنان و عقوبت برای آن‌هاست به خاطر انکار آنچه را به سوی او دعوت کرده‌اند؛ از قبیل اقرار به ربوبیت و آشکار ساختن عدالت و ترک جور و از بین بردن فساد. به علاوه، این کار به دشمن جرئت می‌دهد که به مسلمانان حمله کند و اعمال فسادى مانند قتل و گرفتن اسیر و ابطال دین خدای - عزوجل - و فسادهای دیگری انجام دهد.^۱ البته این جهاد و جنگ در مسیر تحول زمانی واجب است که در رکاب امامی عادل باشد: «الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ الْإِمَامِ الْعَدْلِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۴).

۲-۱-۱-۴. عدالت، وظیفه اصلی امام

امام رضا(ع) نه تنها این لزوم عدالت‌محوری در حرکت تحولی جامعه را برای مردم ترسیم می‌کردند بلکه زدودن زوائد برای پر رنگ‌تر شدن این محور اساسی را نیز در دستور کار

۱. «وَ حَرَّمَ اللَّهُ الْفِرَارَ مِنَ الرَّخْبِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْوَهْنِ فِي الدِّينِ وَ الْإِسْتِخْفَافِ بِالرُّسُلِ وَ الْأَنْبِيَاءِ الْعَادِلَةِ (ع) وَ تَرَكَ نُصْرَتَهُمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ الْعُقُوبَةَ لَهُمْ عَلَى إِنْكَارِ مَا دَعَوْا إِلَيْهِ مِنَ الْإِفْرَارِ بِالزُّبُوبِ وَ إِظْهَارِ الْعَدْلِ وَ تَرَكَ الْجَوْرَ وَ إِمَانَةَ الْفَسَادِ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ جُرْأَةِ الْعَدُوِّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ مَا يَكُونُ فِي ذَلِكَ مِنَ السَّبْيِ وَ الْقَتْلِ وَ إِظْطَالِ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْقَسَادِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۲).

قرار دادند. لذا زمانی که جمعی از صوفیه در خراسان بر امام (ع) وارد شدند و گفتند: خلیفه عباسی خاندان شما و از میان آن‌ها شما را برگزیده تا مقام ولایت و خلافت را به شما واگذارد که شایستگی آن را دارید، ولی امت اسلامی نیازمند رهبری است که لباس خشن بپوشد! و غذای ناگوار تناول کند! و بر درازگوش سوار شود و بیماران را عیادت نماید! حضرت که تا آن وقت تکیه داده بودند، با شنیدن این سخن دو زانو نشستند و فرمودند: «یوسف (ع) پیامبر بود، در حالی که لباس‌های زیبا و زربفت می‌پوشید و بر متکای خاندان فرعون تکیه می‌زد و حکومت می‌کرد. [رهبری شایسته به آن نیست که شما گمان کرده‌اید، بلکه] تنها از امام عدالت و دادگستری خواسته می‌شود. هنگامی که سخن گوید، راست بگوید و هنگامی که حکم کند، عدالت را رعایت کند و هنگامی که وعده داد، به وعده وفا نماید. خداوند لباس و غذا را بر کسی حرام نکرده است. و آن‌گاه این آیه را تلاوت فرمود: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف/۳۲)؛ (بگو چه کسی حرام کرده است زینت‌هایی را که خداوند برای بندگان خود قرار داده و رزق نیکو را؟)^۱

۲-۱-۲. سطح دوم جامعه: عدالت حاکمان و سلطان به‌عنوان پیشروان تحول جامعه

امام رضا (ع) علاوه بر تشویق مردم به عدم سکوت در برابر ظلم، و پیروی از امام عادل، بر موعظه حکام و مسئولان و دعوت ایشان به عدالت در رفتار تأکید داشته که خود شاخصه دیگری در تحول عدالت‌محور است. در واقع، در مسیر تحول اجتماعی در جامعه دینی، به تبع رهبر تحول، همه کسانی که از سوی او حاکم و والی بر مردم‌اند باید عادل باشند.

امام رضا (ع) در روایتی سه شرط برای تحول اجتماعی ذکر می‌کنند که دو شرط به عدالت حاکم و یک شرط به عدالت مردم اشاره می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ

۱. «و دَخَلَ عَلَيْهِ بِخُرَاسَانَ قَوْمٌ مِنَ الصُّوفِيَّةِ فَقَالُوا لَهُ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْمَأْمُونِ نَظَرَ فِيهَا وَلَدَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْأُمَرَاءِ فَرَأَاهُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ أَوَّلَى النَّاسِ بِأَنْ تَوُفُّوا النَّاسَ وَ نَظَرَ فِيكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَرَأَى أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ فَرَأَى أَنَّ يَدَ هَذَا الْأَمْرِ إِلَيْكَ وَ الْأَكْمَةُ تَحْتَاجُ إِلَى مَنْ يَأْكُلُ الْجَشِبَ وَ يَلْبَسُ الْخَشِينَ وَ يَرْكَبُ الْجِمَارَ وَ يَغُودُ الْمَرِيضَ قَالَ وَ كَانَ الرِّضَا مُتَكِنًا فَاسْتَوَى جَالِسًا ثُمَّ قَالَ كَانَ يُوسُفُ نَبِيًّا يَلْبَسُ أَقْبِيَةَ الذَّبَاجِ الْمُرْزُودَةِ بِالذَّهَبِ وَ يَجْلِسُ عَلَى مِثْكَاتِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ يَحْكُمُ إِنَّمَا يَرَاؤُ مِنَ الْإِمَامِ قِسْطُهُ وَ عَدْلُهُ إِذَا قَالَ صَدَقَ وَ إِذَا حَكَمَ عَدَلَ وَ إِذَا وَعَدَ أَتَجَزَّ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْرُمْ لِبُوسًا وَ لَا مَظْعَمًا وَ تَلَا قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۰).

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَاسِرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَى بْنِ مُوسَى (ع) قَالَ: إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبْسَ الْمَطْرُوقِ إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَائِتَ الدَّوْلَةِ وَإِذَا حُبِسَتْ الرِّكَازُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي» (مفيد، ۱۴۱۳، ص ۳۱۰). در این روایت، امام (ع) دروغگویی حاکم را مانع نزولات آسمانی، ستمکاری او را موجب سستی حکومت اسلامی و منع زکات در میان مردم را از بین رفتن سرمایه‌های اقتصادی کشور می‌شمردند که همه اینها از سرمایه‌های یک حکومت قوی برای تحول اجتماعی است.

۲-۱-۳. سطح سوم جامعه: هدف امام، تحول عدالت‌محور در مردم به عنوان اعضای

جامعه تحول‌گرا

همچنان‌که قبلاً ذکر شد در فرایند تکوین تمدن اسلامی ابتدا تحول درونی امام شکل گرفته و سپس به تحول ظاهری جامعه و مردم منتهی می‌شود. بنابراین هدف امام ایجاد تحول در مردم است. از این رو هم تحول درونی امام با بر محور عدالت می‌گردد و هم مردم باید عدالت‌محور باشند چراکه مجری اصلی عدالت مردم هستند: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» و تحول هم در مردم قرار است رخ دهد: «لَمَّا يُحْيِيكُمْ». بنابراین آنچه در تحول عدالت‌محور در مورد رهبر جامعه ذکر شد در مورد اعضای جامعه نیز جاری خواهد بود.

۲-۱-۳-۱. تحول درونی

در سیره اهل بیت از جمله امام رضا (ع) نیز به روشنی می‌توان یافت که این تحول اجتماعی با محوریت عدالت تحقق می‌یابد. در این راستا امام (ع) اهتمام جدی بر رشد عدالت و گرایش به آن در میان اعضای جامعه اسلامی و مردم داشته و البته این توصیه و تأکید بر عدالت با هدف تحول درونی ایشان صورت می‌گیرد؛ همچنان‌که امام رضا (ع) در کلامی نورانی می‌فرمایند: «(رسول خدا(ص) فرمود از ظلم بپرهیزید که قلب‌ها را ویران می‌کند».^۱ همچنین ایشان در بیان شروط شاهد در باب قضا، عدالت ظاهری را در بستری آماده برای تحولی درونی و فطرتی طاهر لازم می‌شمردند.^۲

۱. «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِيَّاكُمْ وَ الظَّلْمَ فَإِنَّهُ يَخْرِبُ قُلُوبَكُمْ» (علی بن موسی، امام هشتم (ع)، ۱۴۰۶، ص ۴۸).

۲. «عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يَوْسُفَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) قَالَ: مَنْ وُلِدَ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ عَرِفَ بِالصَّلَاحِ فِي نَفْسِهِ جَازَتْ شَهَادَتُهُ». (طوسی، ۱۴۰۷، ۶/۲۸۳/۱۸۳)

۲-۱-۳-۲. اخوت، همزاد عدالت

بی‌شک یکی از ارکان جامعه توحیدی در مسیر تحولی اجتماعی به سوی هدایت و بلکه مهم‌ترین رکن ساخت واقعیت اجتماعی در اسلام اخوت است. از سوی دیگر، یکی از راه‌های شناخت واقعیت‌ها شناخت نظائر آن‌هاست. تقارن عدالت اجتماعی و اخوت به‌عنوان رکن ساخت جامعه در مکتب اسلام حاکی از جایگاه عدالت در تحولات اجتماعی در منظر اسلام است. امام رضا(ع) در بیانی گهربار می‌فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ- وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يَخْلِفْهُمْ- فَهُوَ مُؤْمِنٌ كَمَلَتْ مُرُؤْتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ- وَ وَجَبَتْ أُخُوَّتُهُ وَ حُرِمَتْ غِيْبَتُهُ»؛ آن‌که با مردم در تعامل است و بر آنان حکومت می‌کند، ولی ظلم و ستم نمی‌کند؛ و با مردم سخن می‌گوید، اما دروغ نمی‌گوید؛ به مردم وعده می‌دهد، ولی تخلف نمی‌کند، چنین شخصی از حیث مروّت کامل است و از عدالت آشکار و عیان است و برادری با او واجب و غیبت کردن از او حرام است» (علی بن موسی، امام هشتم(ع)، ۱۴۰۶، ص ۴۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۰).

از جهت سیاق و نحوه بیان محورهای تحول، در همین دسته روایات می‌گنجد روایاتی که مرزهای اخوت را مشخص کرده و برخی را از دایره جامعه ایمانی خارج می‌کند. در واقع روایت گذشته در مقام بیان جامعیت مرزهای ایمانی بود در این دسته روایات در مقام بیان مانعیت این مرزها و اخراج کسانی است که بخاطر داشته برخی ویژگی‌ها و یا عدم دارا بودن برخی خصوصیت‌ها از این جامعه خارج است. ازجمله این روایت که البته کم هم نیستند روایتی است که برخوردی کاملاً متفاوت از امام حرکت تحول جامعه با اعضای جامعه ایمانی به تصویر می‌کشد. در این واقعه امام(ع) مرزهای جامعه دینی را برای کسانی که خود را شیعه امام معرفی می‌کنند بگونه‌ای روشن و واضح معرفی می‌کنند که ازجمله این مرزهای جامعه تحولی ایمانی، رعایت حقوق برادران ایمانی و تقوای الهی از سوی اعضای جامعه دینی است: «وَيَحْكُمُ إِنَّمَا شِيعَتُهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ(ع) وَ سَلْمَانُ وَ أَبِي [أَبُو] دَرَّ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ، الَّذِينَ لَمْ يَخَالِفُوا شَيْئاً مِنْ أَوَامِرِهِ، وَ لَمْ يَرْتَكِبُوا شَيْئاً مِنْ [فُنُونِ] رَوَاجِرِهِ. فَأَمَّا أَنْتُمْ إِذَا قُلْتُمْ إِنَّكُمْ شِيعَتُهُ، وَأَنْتُمْ فِي أَكْثَرِ أَعْمَالِكُمْ لَهُ مُخَالِفُونَ، مُقْصِرُونَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْفَرَائِضِ [وَ] مَتَهَاوِنُونَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ، وَ تَتَّقُونَ حَيْثُ لَا تَجِبُ

التَّقِيَّةُ، وَتَتْرَكُونَ التَّقِيَّةَ [حَيْثُ لَا بُدَّ مِنَ التَّقِيَّةِ]. لَوْ قُلْتُمْ أَنْكُمْ مُؤَالُوهُ وَ مُحِبُّوهُ، وَ الْمُؤَالُونَ لِأَوْلِيَائِهِ، وَ الْمُعَادُونَ لِأَعْدَائِهِ، لَمْ أَنْكَرْهُ مِنْ قَوْلِكُمْ» (حسن بن علی(ع)، امام یازدهم، ۱۴۰۹، ص ۳۱۳).

نتیجه‌گیری

در نگاه دینی عدالت جایگاهی محوری در تحولات اجتماعی دارد و در حقیقت، وجه اشتراک مجموع برنامه‌های تحولی شرع مقدس در مسیر تحقق تمدن اسلامی، عدالت است. در سیره امام رضا(ع) به عنوان مصلحی اجتماعی در جایگاه امامت و عصمت که رهبری تحول جامعه دینی، بلکه جامعه انسانی را به عهده دارد آثار محوریت عدالت اجتماعی بوضوح قابل پیگیری است. شاخصه‌های عدالت محوری در تحولات اجتماعی در کلمات امام رضا(ع) در سه سطح امام جامعه، حاکمان و مردم قابل رصد می‌باشد. همچنین این شاخصه‌ها در سه عرصه شاخصه‌های علمی - معرفتی، شاخصه‌های اخلاقی و شاخصه‌های رفتاری قابل تنظیم و ارائه می‌باشد. در صورت تحقق این شاخصه‌ها در فضای اجتماعی، تحولی باطنی در نگرش مردم و به تبع آن تغییری اساسی در رفتار و کنش‌های مردم رخ داده که مقدمه‌ای برای تغییر اجتماعی خواهد بود، تحولی اجتماعی که سبب تحقق جامعه توحیدی و بدون ظلم می‌گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸ش). نهج البلاغة. (ترجمه: جعفر شهیدی). تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ش). عیون أخبار الرضا(ع)، (محقق: مهدی لاجوردی). تهران: نشر جهان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق.). کمال الدین و تمام النعمة، (محقق: علی اکبر غفاری). تهران: اسلامیه.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق.). التوحید للصدوق. قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق.). معجم مقاییس اللغة، (محقق: عبد السلام محمد هارون). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۷. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. محقق: جمال الدین میردامادی. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة، (محقق: سید هاشم رسولی محلاتی). تبریز: بنی هاشمی.
۹. حسین بن علی، (امام). (۱۴۳۰ق). تفسیر الامام الحسین (ع) التفسیر الاثری التطبیقی، (تحقیق: محمد علی حلو). کربلا: العتبة الحسینیة المقدسة.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۵۳). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تنظیم: صهباء. قم: مؤسسه ایمان جهادی.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامية.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، (محقق: صفوان عدنان داوودی). لبنان: دار الشامیة.
۱۳. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائع، (محقق: مؤسسه الإمام المهدي (ع)). قم: مؤسسه امام مهدي (عج).
۱۴. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام، (محقق: حسن الموسوی خراسان). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. عسکری، حسن بن علی، (امام). [منسوب]. (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علی العسكري (ع). قم: مدرسة الإمام المهدي (ع).
۱۷. علی بن موسی الرضا، (امام). (۱۴۰۶ق). صحیفة الإمام الرضا (ع)، (محقق: محمد مهدی نجف). مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع).
۱۸. علی بن موسی الرضا، (امام)، [منسوب]. (۱۴۰۶ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع). مشهد: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). کافی، (محقق: دارالحديث). قم: دارالحديث.
۲۱. کوئن، بروس. (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی، (ترجمه: محسن ثلاثی). تهران: فرهنگ معاصر.
۲۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲ش). دایرة المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب.
۲۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵ش). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷ش). احیای تفکر اسلامی. تهران، صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۷ش). انحطاط و ترقی تمدن‌ها از نظر قرآن و منطق دیالکتیک. تهران: صدرا.
۲۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الأملی. قم: کنگره شیخ مفید.